معانی کلی حرف «راء »

صفحه نهم از جزوه بودیم. روایت ابن مسلم بودیم؛ حضرت فرمودند:

> **عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله ع قال: إذا رأيتم الهلال فصوموا و إذا رأيتموه فأفطروا و ليس بالرأي و لا بالتظني[1]**

در مورد کلمه «رأی» صحبت شد. بعد هم یک تحریک ذهنی شد و فی الجمله بهدنبال اشتقاق «رأی» رفتم. به این مباحثه خیلی مربوط نمیشود که سر آن حرفها بزنیم. علی ای حال در آن کتاب حسن جبل «رأی» از مواردی بود که معانی محوری را آورده اما بحث صوتی آن را نیاورده است. چرا؟

شاگرد: چون همزه و یاء را بررسی نمیکند.

استاد: بله، فقط «ر» مانده در اینجا. علی ای حال در اشتقاق آن چیزی که در ماده «رأی» کار اصلی را انجام میدهد، همان «ر» است. مثلاً در «بصر» از ماده «بصّ» شروع کرده و بعد «بصر» را با صوت و معنا توضیح میدهد. اما در «رأی» فقط معنا را توضیح داده است.

شاگرد۲: ظاهراً همزه حکم الف را ندارد.

استاد: ایشان همزه را همان الف حساب میکنند.

شاگرد: حتماً به این صورت است.

منظور اینکه موارد مختلفش در «رأی، روی، ریی، ریّ رویّ، راوی، ترویه، روّی» آمده است. از سابق در ذهن من هست که چه بسا کلمه مشتمل بر راء و خود کلمه راء یک جور معانی «بسط» هست.

شاگرد۲: ایشان استرسال میگفت.

استاد: بله، استرسال، رها شدن است. اما صرف رها شدن نه، شاید یک بسطی در آن باشد. استرسالی که ایشان میگویند صرفاً رفتن و رها شدن است. آیا آن انبساط را هم ایشان در معانی راء قائل هستند یا نه؟ نمیدانم. علی ای حال اگر این معنا درست باشد با «رؤیت» سازگار است؛ یعنی یک جور در دل شخص یک بسطی صورت میگیرد. چشم که میاندازد اینطور میشود. «مد البصر، ما وقع علیه العین» بود و در کتابهای لغت هم بود. «رُئی» که آقا فرمودند، در کتب لغت متعدد ذکر شده که «الرویاء» جمعش «رُئا» است. ظاهراً مصباح المنیر و دو-سه کتاب دیگر داشت که جمع «رویة»، «رُئا» است.هر چه معانی رؤیت باشد.

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۷۸

بازبینی #1
ایجاد شده 5 آوریل 2026 13:27:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 آوریل 2026 13:28:21 توسط ... .